

بررسی دلایل مهاجرت نخبگان از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان

پروین رضایی *

فتانه درتاج **

چکیده

روند روزافزون مهاجرت و به ویژه مهاجرت متخصصان، مسئله‌ای است که بسیاری از کشورهای جهان را به خود مشغول ساخته است. بررسی و شناخت این موضوع به ویژه برای کشور ایران (از نظر گستردگی شاخص مهاجرت متخصصان) بسیار حائز اهمیت است. این مطالعه دلایل مهاجرت متخصصان ایرانی به خارج از کشور را از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان مورد بررسی قرار داده است. برای این منظور، پرسشنامه‌های حاوی عوامل دموگرافیک و ۴۰ سؤال مربوط به دلایل مهاجرت تهیه و در اختیار ۱۱۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، قرار گرفت. نتایج این مطالعه نشان داد که از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان، دلایل اقتصادی، دلایل اجتماعی، دلایل سیاسی، دلایل شغلی و دلایل علمی - پژوهشی از انگیزه‌های مهاجرت متخصصان به خارج از کشور محسوب می‌شود اما دلایل شخصی از این انگیزه‌ها محسوب نمی‌شود. همچنین یافته‌های این مطالعه در مورد ترتیب و اولویت دلایل مهاجرت متخصصان نشان داد، از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان، دلایل مهاجرت متخصصان در اولویت اول، دلایل شغلی، دلایل اجتماعی و دلایل اقتصادی و در اولویت دوم، دلایل سیاسی و دلایل علمی و پژوهشی و در اولویت سوم (آخر)، دلایل شخصی بوده است.

واژگان کلیدی: مهاجرت، فرار مغزها، هیئت علمی، دانشگاه، خارج از کشور، کرمان.

* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

** عضو هیئت علمی دانشگاه باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۸

مقدمه

مهاجرت پدیده جدیدی نیست (زنجانی، ۱۳۸۰). این پدیده از قدیم‌الایام در جوامع بشری وجود داشته "و در بنیاد نهادن تمدن‌های نوین امروزی و شکل دادن به آنها تأثیر کرده است" (قنبر، ۱۳۸۴:۱۴).

جست‌وجویی کوتاه در تاریخ تمدن نشان می‌دهد که "ورود و خروج از مراحل مختلف تاریخ همچون دوران پارینه سنگی، نوسنگی، عصر آهن، آغاز زندگی مدنی و همه مراحل پس از آن با مهاجرت همراه بوده است. انگیزه این مهاجرت‌ها [به تناسب موقعیت آن زمان] دستیابی به غذا، سکونت، کار، ایمن ماندن از بلاهای طبیعی و همچنین فشارهای سیاسی اجتماعی و مذهبی را در بر می‌گرفته است" (وقوفی، ۱۳۸۰:۲۱). با وجود این پیشینه، امروزه رشد روزافزون مهاجرت، توجه بسیاری از محافل علمی را به خود جلب کرده است.

اگر طی دو دهه اخیر، بازار مهاجرت، در همه گونه‌های خود، از رونق برخوردار بوده است اما به طور خاص، این افزایش مهاجرت متخصصان است که شکل رقابت-جویانه و مسابقه گونه‌ای به خود گرفته است (جوئررو و بولای^۱، ۲۰۰۵؛ دکیوئر و مارفوک^۲، ۲۰۰۶ و کلو و وچتر^۳، ۲۰۰۴). اهمیت مهاجرت متخصصان توجه بسیاری از اندیشمندان و برنامه‌ریزان حوزه‌های آموزش، اقتصاد و به ویژه اقتصاد آموزش، جامعه-شناسی و مطالعات توسعه را به خود معطوف داشته است.

متخصصان، سرمایه‌های انسانی قابل توجه یک جامعه محسوب می‌شوند. برای بسیاری از مردم، سرمایه یعنی پول، حساب بانکی، سهام شرکت یا ملک واقعی. اگر چه همه این موارد، اشکالی از سرمایه محسوب می‌شوند اما دانش و مهارت اشکال بسیار قابل توجه‌تری از سرمایه‌اند (کلو و وچتر، ۲۰۰۴). که معمولاً در نگاه اول، سرمایه‌ای غیر ملموس به نظر می‌رسند و شاید همین امر بر نگاه برخی کشورهای در حال توسعه به مهاجرت نخبگان دامن زده است.

-
1. Guerrero & Bolay
 2. Docquier and Marfouk
 3. Kelo & Wchter

همان‌گونه که جذب مهاجران متخصص ورودی‌های معنی‌دار و تأثیرگذاری بر روند توسعه در کشورهای پیشرفته محسوب می‌شوند (چلاراج، مسکاس و متو، ۲۰۰۶)، "پدیده شوم فرار مغزها که ذخایر و سرمایه‌های ملی را به خارج منتقل می‌کند، از مشکلات دائمی کشورهای پیرامونی و از علائم مشروط‌شدگی توسعه در آنهاست" (محمدی، ۱۳۷۶: ۵). ایران نیز به صورتی اساسی و بنیادی درگیر مسئله مهاجرت متخصصان خود به کشورهای پیشرفته است (انتظارخیر^۱، ۲۰۰۵؛ سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱؛ جعفریان، ۱۳۸۲ و تربت، ۲۰۰۲). در باب حجم مهاجرت متخصصان ایرانی، همین بس که طبق بررسی صندوق بین‌المللی پول که توسط کارینگتون و دترایاج^۲ (۱۹۹۸)، به انجام رسید، ایران بیشترین مهاجرت تحصیل‌کرده علمی را در میان ۶۱ کشور جهان داشته است (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱ و انتظارخیر، ۲۰۰۵ و جعفریان، ۱۳۸۲).

اعلام ایرانیان مقیم امریکا به عنوان با تحصیلات‌ترین جامعه ساکن آن سرزمین و دارا بودن درجه ارشدیت یا پزشکی برای یک چهارم ایرانیان ساکن امریکا (مک اینتاش^۳، ۲۰۰۴)، سکونت حدود ۲۰۰ هزار ایرانی در آلمان و فرانسه با حدود ۶۰ درصد افراد دارای تحصیلات عالی (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱)، سکونت در سوئد به عنوان بزرگ‌ترین گروه مهاجران غیر اروپایی در این کشور (سیف‌الدین اصل، ۱۳۸۳)، مهاجرت ۲۵ درصد ایرانیان دارای تحصیلات عالی به کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD، خروج روزانه به طور متوسط ۱۵ کارشناسی ارشد و ۲/۳ نفر دارای مدرک دکترای و ۵۶۷ نفر لیسانسیه در سال‌های حوالی ۱۳۷۸ از کشور (سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱)، مهاجرت قریب به ۲۲۰ هزار ایرانی نخبه علمی، مدیر و صاحب سرمایه به کشورهای غربی در سال ۱۳۸۰ (وزیر علوم تحقیقات و فناوری در مراسم بزرگداشت روز معلم و معرفی استادان نمونه سال ۱۳۸۰)، همه و همه نشان از وضعیت خاص کشور ما و لزوم بررسی دلایل این مهاجرت‌ها دارد. این بررسی به دلیل

1. Chellaraj, Maskus and Mattoo
 2. Entezarkheir
 3. Carrington and Detragiache
 4. McIntosh

تأثیر بدیهی مهاجرت متخصصان بر نظام‌های آموزشی کشورها، و بالطبع بر روند ایجاد سرمایه‌های انسانی اهمیتی دو چندان می‌یابد.

از نظر اقتصاد آموزش، هزینه‌های از دست دادن متخصصان برای یک جامعه شامل هزینه‌ای که باید صرف شود تا فردی با مشخصات فرد مهاجر تربیت شود و نیز ارزش زمان حال کلیه منافع که فرد تحصیل کرده، می‌تواند نصیب جامعه کند و به دلیل مهاجرت وی محقق نمی‌شود، است (عباسی، ۱۳۸۰). طبق گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۱، تربیت هر متخصص، ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ دلار هزینه در بر دارد (قنبر، ۱۳۸۴)، اما به رغم این هزینه، کشورهای جهان سوم با دارا بودن ۸۰ درصد جمعیت جهان تنها ۲۰ درصد درآمد حاصله از نیروی انسانی متخصص جهان را در اختیار دارند (طلوع به نقل و قوفی، ۱۳۸۰). بر طبق مؤسسه آمار یونسکو (دفتر فرهنگی سازمان ملل) اگر چه کشورهای در حال توسعه، ۷۹ درصد از جمعیت جهان را در اختیار دارند اما تنها ۲۷ درصد از کل پژوهشگران را در اختیار دارند (جوئرو و بولای، ۲۰۰۵). این کشورها که درصد بالایی از مهاجرت متخصصان جهان را به خود اختصاص داده‌اند، تنها یک درصد توان علمی جهان را در اختیار دارند (طلوع به نقل و قوفی، ۱۳۸۰).

طبق یک برآورد، حدود ۴۰۰۰۰۰ دانشمند و مهندس کشورهای در حال توسعه (حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد کل آنان) در مراکز تحقیق و توسعه کشورهای صنعتی مشغول به کار هستند (قش^۱، ۲۰۰۵)، اکثر فارغ‌التحصیلان دوره دکترای در رشته‌های مهندسی در مراکز آموزش عالی آمریکا را خارجیان تشکیل می‌دهند (اسملار^۲، ۱۹۹۸ به نقل آراسته، ۱۳۸۰)، بیش از نیمی از اعضای هیئت علمی دانشکده‌های فنی و مهندسی این کشور را خارجیان تشکیل می‌دهند (آراسته، ۱۳۸۰)، و تاکنون بیشترین پیشرفت‌ها در جهان توسعه یافته به وجود آمده‌اند. با اینکه کشورهای غنی، فقط ۱۵ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند اما این کشورها صاحب بیش از ۹۰ درصد از حقوق ثبت اختراع هستند (گمبل، به نقل رضایی و درتاج، ۱۳۸۷). "بر اساس گزارش یونسکو (۱۹۹۸)، آمریکا ۲۲ درصد نیروی کار در حوزه تحقیق و توسعه، حدود ۴۰ درصد هزینه

1. Ghosh
2. Smollar

ناخالص در تحقیق و تولید علمی و بین ۵۰-۳۰ درصد (بر اساس داده‌های مراکز اروپا و امریکا) نوآوری‌های ثبت شده فناوری را در جهان داراست" (وقوفی، ۱۳۸۰: ۶۱).

این یک واقعیت است که مهاجرت متخصصان در واقع، به مشکل داشتن نیروهای متخصص دامن می‌زند (دایچوالد، اریکسون و ماریسون^۱، ۲۰۰۴). اثر بر وضعیت دانش در جامعه مبدا (بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول^۲، ۲۰۰۴)، به ویژه کاهش زمینه‌های تولید دانش (ساراوایا و میرا^۳، ۲۰۰۴) و انتشار آن (ایستون، هریس و اسمیت^۴، ۲۰۰۵)، تأثیرات منفی بر وضعیت دانشگاه‌های مبدا (متو، چالاراج و ماسکاس، ۲۰۰۶)، از دست دادن مدرسان با کیفیت و خطر از دست دادن شهرت علمی کشور مبدا (راجرز و هلر^۵، ۲۰۰۳) و کاهش مهارت‌های لازم کشور برای حضور در عرصه رقابت‌جویی جهانی از جمله نتایج این مهاجرت‌هاست (کاسزالکا و سوبیزس زنکی، ۲۰۰۳).

تأثیر کوچ نخبگان بر نظام‌های آموزشی از زاویه دیگری هم قابل اعتناست. در دو دهه گذشته جامعه شناسی علم و فناوری، درک نوینی از فرایند تولید، انتقال و کاربرد دانش به دست داده است که بر ماهیت جمعی چنین فرایندی و نقش اجتماعی علمی تأکید دارد و تا حدودی شامل دانش جمعی است که از طریق رفتار گروهی ایجاد می‌شود (طایفی، ۱۳۸۰). میاگیوا (به نقل عباسی، ۱۳۸۰) معتقد است وقتی تعداد متخصصانی که در یک محیط هستند و یا با هم ارتباط نزدیک دارند افزایش یابد، اثرات مثبت مضاعفی ایجاد خواهد شد. پس به تبع این نظر، جامعه مبدا نه تنها نیروهای بالفعل علمی و پژوهشی خود را از دست می‌دهد بلکه به دلیل، محروم شدن جامعه مبدا از تعامل گروهی متخصصان و در نتیجه، عدم امکان افزایش سرمایه‌های انسانی بازماندگان در جامعه، این اثر منفی نیز دو چندان خواهد بود.

اما چرا متخصصان یک جامعه هجرت می‌کنند؟ در خصوص دلایل مهاجرت

1. Dychtwald, Erickson & Morison
 2. International monetary found
 3. Saravia N. G. and Miranda
 4. Easton, Harris & Schmitt
 5. Rogers & Heller

متخصصان، تئوری‌های متعددی ارائه شده است. اقتصاددان تئوری کلاسیک^۱، نئوکلاسیک‌ها^۲، تئورسین‌های اقتصاد جدید مهاجرت^۳ (اقتصاد خانوار، NELM)، بازار دوگانه اقتصادی و تئوری سیستم جهانی اقتصادی بیشتر بر اقتصادی بودن دلایل مهاجرت‌ها تأکید داشته‌اند. دیدگاه اجتماعی و دیدگاه سیاسی در بررسی این دلایل مورد توجه بوده‌اند. دیدگاه سیستمی نیز در اعتراض به تک بعدی بودن تئوری‌های مهاجرت و بر مبنای توجه به عوامل چندگانه شکل گرفت. دیدگاه‌های کلی مهاجرت، مبنای انجام پژوهش‌های این حوزه شده است. در این پژوهش، هدف اصلی آگاهی از دلایل مهاجرت متخصصان ایرانی به خارج از کشور از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان بوده است و در این راستا سؤال مطرح شده است.

سؤال اول: آیا از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان، دلایل اقتصادی از انگیزه‌های مهاجرت متخصصان به خارج از کشور محسوب می‌شود؟
سؤال دوم تا ششم عیناً همین سؤال را در مورد دلایل: ۲. اجتماعی ۳. سیاسی ۴. علمی - پژوهشی ۵. شغلی و ۶. شخصی (به تفکیک) مطرح می‌کند.
سؤال هفتم: ترتیب دلایل مهاجرت متخصصان از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان چگونه است؟

روش

این تحقیق از حیث هدف، کاربردی و از حیث طرح تحقیق و روش جمع‌آوری داده‌ها، توصیفی بوده است. جامعه این پژوهش، شامل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های پیام نور، علوم پزشکی، آزاد و شهید باهنر کرمان بوده که مجموعاً تعداد ۱۱۴۲ نفر است.

روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری تصادفی بوده و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مراجعه حضوری به اتاق اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های مذکور، و توجیه پاسخگویی آنها انجام شد. از آنجا که به دلیل ماهیت پژوهش، افراد پاسخگو، مایل بودند کاملاً ناشناس باقی بمانند، به دلیل ملاحظات اخلاقی یک پرسشنامه به علاوه نامه توضیحی و یک

1. Classic
2. Neoclassic
3. New economic labour market

پاکت پستی تمبردار دارای نشانی گیرنده به آنان تحویل داده شد و طی پی‌گیری‌های انجام شده تعداد ۱۱۸ پرسشنامه دریافت و تحلیل شد.

در این پژوهش، ابزار اندازه‌گیری متغیرها، پرسشنامه محقق ساخته بود که بر اساس مبانی نظری موجود در ادبیات پژوهش و استخراج شاخص‌های مربوط به این مبانی (به ویژه از نتایج تحقیقات مشابه انجام شده)، تهیه شد. پرسشنامه پژوهش‌های انجام شده توسط آراسته، ۱۳۸۰؛ طایفی، ۱۳۸۰؛ ابراهیمی (۱۳۸۱) و قنبر، (۱۳۸۴) "به ویژه" راهگشا بوده است.

این پرسشنامه حاوی ۵۴ سؤال بوده که بخش الف) شامل ویژگی‌های دموگرافیک و بخش ب) سؤالات مربوط به دلایل مهاجرت متخصصان که به تفکیک عوامل اقتصادی، علمی - پژوهشی، سیاسی، شغلی و عوامل شخصی را سنجیده و هر گویه مربوط به دلایل، طبق طیف شش درجه‌ای لیکرت، نمراتی از ۰ تا ۵ را به خود اختصاص داده است.

پرسشنامه جهت سنجش روایی به رویت متخصصان رسانده شد و ضریب روایی آن با استفاده از سیگمای شمارشی، طبق جدول ذیل محاسبه شد.

دلایل مهاجرت متخصصین	روایی محاسبه شده
عوامل اقتصادی	۰/۹۷
عوامل اجتماعی	۰/۸۶۴
عوامل سیاسی	۰/۷۹۴
علمی پژوهشی	۰/۷۷۹
عوامل شغلی	۰/۸۲۵
عوامل شخصی	۰/۸۲۸

پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۸۷ محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول (۱) فراوانی و درصد پاسخگویان به گزینه‌های عوامل بر اساس سطوح دسته‌بندی شده

شخصی	شغلی		علمی		سیاسی		اجتماعی		اقتصادی		فراوانی درصد	
	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد			
کم (امتیاز کمتر از ۳)	۳۵/۶	۴۲	۱۲/۷	۱۵	۲۱/۲	۲۵	۲۲	۲۶	۱۱/۹	۱۴	۲۰/۳	۲۴
متوسط (امتیاز ۳)	۲۸	۳۳	۱۷/۸	۲۱	۴۴/۱	۵۲	۳۱/۴	۳۷	۳۳/۹	۴۰	۱۷/۸	۲۱
زیاد (امتیاز بیشتر از ۳)	۳۶/۴	۴۳	۶۹/۵	۸۲	۳۴/۷	۴۱	۴۶/۶	۵۵	۵۴/۲	۶۴	۶۱/۹	۷۳
جمع	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۰	۱۱۸	۱۰۰	۱۱۸

برای بررسی تفاوت بین سه سطح پاسخگویان از آزمون مربع کای استفاده شد.

فرضیه‌های آماری آزمون به این صورت بوده‌اند:

H_0 : نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان در مورد دلایل اقتصادی مهاجرت متخصصان (و هر کدام از دلایل اجتماعی، سیاسی، علمی پژوهشی، شغلی و دلایل شخصی آنان، به تفکیک) در سه سطح یکسان است.

H_1 : نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان در مورد دلایل اقتصادی انگیزه‌های مهاجرت متخصصان (و هر کدام از دلایل اجتماعی، سیاسی، علمی پژوهشی، شغلی و دلایل شخصی آنان، به تفکیک) در سه سطح متفاوت است.

با توجه به اینکه p -مقدار محاسبه شده در خصوص دلایل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی - پژوهشی، شغلی و دلایل شخصی به ترتیب (۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۰، ۰/۰۰۹، ۰/۰۰۰ و ۰/۴۶۲)، کمتر از سطح معنی‌داری $\alpha = ۰/۰۵$ است، نتیجه می‌شود که نظر این اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در مورد دلایل مذکور در سه سطح متفاوت است. (جدول شماره ۲).

همچنین برای بررسی معنی‌دار بودن نظر اعضای هیئت علمی در مورد دلایل مهاجرت متخصصان از آزمون علامت استفاده شد.

با فرض اینکه m ، میانه نظر اعضای هیئت علمی در مورد دلایل اقتصادی (، دلایل اجتماعی، سیاسی، علمی پژوهشی، شغلی و دلایل شخصی) انگیزه‌های مهاجرت متخصصان در جامعه مورد بررسی باشد، فرض‌های آماری آزمون به صورت زیر هستند:

$$H_0: m \leq 3$$

$$H_1: m > 3$$

با توجه به اینکه p -مقدار محاسبه شده در آزمون در مورد دلایل اقتصادی، دلایل اجتماعی، سیاسی، علمی پژوهشی و شغلی (به ترتیب $0/000$ ، $0/032$ ، $0/000$ ، $0/000$) کمتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0/05$ است، در این سطح، H_0 رد شده این بدان معنی است که میانه نظر اعضای هیئت علمی بیشتر از امتیاز ۳ (متوسط) است و در نتیجه، می‌توان گفت که از نظر آنان، دلایل مذکور از انگیزه‌های مهاجرت متخصصان به خارج از کشور محسوب می‌شود. اما بر اساس p -مقدار محاسبه شده در مورد دلایل شخصی ($0/500$)، نتیجه می‌شود که از نظر آنان، دلایل شخصی از انگیزه‌های مهاجرت متخصصان به خارج از کشور محسوب نمی‌شود (جدول شماره ۲).

جدول (۲) آماره‌های آزمون χ^2 و آزمون علامت

دلایل	آماره ها	آماره های آزمون χ^2		آماره های آزمون علامت	
		مقدار χ^2	درجه آزادی	p -مقدار	میانه
اقتصادی	۴۳/۳۳۹	۲	۰/۰۰۰	۳/۷۵	p -مقدار ۰/۰۰۰
اجتماعی	۳۱/۷۹۷	۲	۰/۰۰۰	۴	۰/۰۰۰
سیاسی	۱۰/۸۹۸	۲	۰/۰۰۰	۳	۰/۰۰۱
علمی - پژوهشی	۹/۳۷۳	۲	۰/۰۰۹	۳	۰/۰۳۲
شغلی	۶۹/۸۸۱	۲	۰/۰۰۰	۴	۰/۰۰۰
شخصی	۱/۵۴۲	۲	۰/۴۶۲	۳	۰/۵۰۰

برای بررسی سؤال هفتم و تعیین ترتیب دلایل مهاجرت متخصصان از نظر اعضای هیئت علمی از آزمون فریدمن استفاده شد.

فرض‌های آماری آزمون به صورت زیر هستند:

H_0 : توزیع دلایل مهاجرت متخصصان از نظر اعضای هیئت علمی یکسان است.

H_1 : توزیع حداقل دو دلیل از دلایل مهاجرت متخصصان از نظر اعضای هیئت

علمی متفاوت است.

با توجه به اینکه p -مقدار محاسبه شده کمتر از سطح معنی‌داری $\alpha = 0/05$ است،

H_0 رد شده و این بدان معنی است که حداقل توزیع حداقل دو دلیل از دلایل مهاجرت

متخصصان متفاوت است (جدول شماره ۳).

جدول (۳) آماره‌های آزمون فریدمن

دلایل مهاجرت	میانگین رتبه‌ها
اقتصادی	۳/۷۵
اجتماعی	۳/۸۴
سیاسی	۳/۳۱
علمی و پژوهشی	۳/۲۱
شغلی	۴/۱۲
شخصی	۲/۷۵
مقدار χ^2	۵۳/۱۳۲
درجه آزادی	۵
p -مقدار	۰/۰۰۰

با توجه به اختلاف معنی‌دار بین توزیع‌های دلایل مهاجرت متخصصان از نظر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کرمان به مقایسه توزیع دو به دوی (زوجی) این دلایل، بر اساس آزمون ویلکاکسون پرداخته شد و با توجه به اینکه p -مقدارهای محاسبه شده (بیشتر از سطح معنی‌داری $0/05$)، بین توزیع دلایل اقتصادی با دلایل اجتماعی، دلایل سیاسی و دلایل شغلی، بین توزیع دلایل اجتماعی با دلایل شغلی و بین توزیع دلایل علمی و پژوهشی با دلایل سیاسی تفاوت معنی‌دار وجود ندارد. با توجه

به آزمون‌های فوق و میانگین رتبه‌ها، دلایل مهاجرت متخصصان در اولویت اول، دلایل شغلی، دلایل اجتماعی و دلایل اقتصادی و در اولویت دوم، دلایل سیاسی و دلایل علمی و پژوهشی و در اولویت سوم (آخر)، دلایل شخصی بوده است.

جدول (۴) آماره‌های آزمون ویلکاکسون

مقدار p	مقدار Z	زوج متغیر
۰/۵۴۴	-۰/۶۰۷	دلایل اجتماعی - دلایل اقتصادی
۰/۰۶۵	-۱/۸۴۵	دلایل سیاسی - دلایل اقتصادی
۰/۰۲۴	-۲/۲۵۷	دلایل علمی و پژوهشی - دلایل اقتصادی
۰/۰۸۵	-۱/۷۲۴	دلایل شغلی - دلایل اقتصادی
۰/۰۰۰	-۳/۶۶۲	دلایل شخصی - دلایل اقتصادی
۰/۰۰۴	-۲/۸۸۳	دلایل سیاسی - دلایل اجتماعی
۰/۰۰۲	-۳/۰۸۶	دلایل علمی و پژوهشی - دلایل اجتماعی
۰/۰۷۸	-۱/۷۶۳	دلایل شغلی - دلایل اجتماعی
۰/۰۰۰	-۴/۳۸۵	دلایل شخصی - دلایل اجتماعی
۰/۲۸۶	-۱/۰۶۷	دلایل علمی و پژوهشی - دلایل سیاسی
۰/۰۰۰	-۳/۸۶۷	دلایل شغلی - دلایل سیاسی
۰/۰۰۴	-۲/۸۶۵	دلایل شخصی - دلایل سیاسی
۰/۰۰۰	-۴/۷۶۸	دلایل شغلی - دلایل علمی و پژوهشی
۰/۰۰۶	-۲/۷۵۷	دلایل شخصی - دلایل علمی و پژوهشی
۰/۰۰۰	-۵/۲۸۴	دلایل شخصی - دلایل شغلی

نتیجه گیری

نتایج این مطالعه در خصوص دلایل اقتصادی مهاجرت متخصصان با یافته‌های نوری حکمت و دیگران، ۱۳۸۸، فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷، جعفریان، ۱۳۸۲؛ ابراهیمی، ۱۳۸۱؛ علاءالدینی، ۱۳۸۱؛ آراسته، ۱۳۸۰؛ مک کلان و نز، ۲۰۰۴؛ یو. سی. ال. ای ۲۰۰۱ و کورنل، ۲۰۰۱ (به نقل قنبر، ۱۳۸۴) تشابه و همخوانی دارد. همچنین یافته‌های عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶؛ مهدیانی، ۱۳۷۷؛ گوپتا، ۱۹۷۳؛ اکبرگ، ۱۹۸۹؛ ولادیمیر گرچیچ، جورو کوتلاچا، ولاسیتیمیر ماتیچیچ و ابرامیکویچ، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳؛ اودنسی، ۱۹۹۶؛

آداموویک، ۲۰۰۰ (به نقل امسیکلان و نوز، ۲۰۰۴)؛ رونگ، ۲۰۰۳، به برخی از این فاکتورها (در کنار سایر عوامل و موضوعات)، اشاره داشته است.

نتایج این تحقیق با نتایج تحلیلی تربیت، ۲۰۰۲ و نیز انتظارخیر، ۲۰۰۵ همخوانی لازم را ندارد. همچنین با یافته‌های قنبر (۱۳۸۴)، نیز توافق ندارد، طبق یافته‌های این محقق، از نظر متخصصان ایرانی ساکن در امریکا، ۶ عامل به عنوان عوامل ترک کشور عنوان شده است که در آن از عوامل اقتصادی نشانی نیست.

در تبیین این روند می‌توان به تفاوت رویکرد محققان در دسته‌بندی عوامل و نیز فاکتورهایی که تحت هرکدام از این دسته‌بندی‌ها قرار می‌گیرند اشاره داشت. در برخی از دسته‌بندی‌ها مراد از عوامل اقتصادی، صرفاً عوامل تفاوت درآمدها دانسته شده است اما ترکیب عواملی که در این مطالعه، به عنوان عوامل اقتصادی بر شمرده است، نیز در این نتیجه بی‌تأثیر نبوده است. تفاوت بین یافته‌های مهاجرین بالفعل در مطالعات مذکور با متخصصان عضو هیئت علمی داخل کشور که عملاً مهاجرت نکرده‌اند، از حیث تجربیات گوناگون، می‌تواند دلیل دیگری بر این اختلاف باشد.

در تبیین این عامل می‌توان گفت: یکی از عواملی که موجب تشویق عده‌ای از متخصصان به خارج از کشور برای مهاجرت آنها می‌شود، اختلاف درآمد بین کشور مبدا و مقصد است. به طور کلی، اشخاص تحصیلکرده، انتظار بالا رفتن درآمد و سطح زندگی خود را دارند. معقول نیز به نظر می‌رسد که فردی که سال‌ها با صرف هزینه‌های متعدد مالی و غیرمالی، قابل سنجش و گاه غیر قابل سنجش، از یک دانشگاه فارغ‌التحصیل شده است خواهان تشکیل یک زندگی متوسط خانوادگی (از نظر مالی)، باشد. اما این، همه نقش عوامل اقتصادی بر مهاجرت نیست. عدم مطلوبیت وضعیت اقتصادی از حیث اثری که بر سایر جوانب زندگی از جمله فعالیت‌های علمی یک اندیشمند می‌گذارد، شایسته بررسی است.

علاوه بر آنچه تحت عنوان عوامل درآمدی از آن یاد شد، عدم وجود امنیت اقتصادی و عدم پیش‌بینی آینده اقتصادی نیز از دلایل این پدیده محسوب می‌شود. نتایج این مطالعه در خصوص دلایل اجتماعی مهاجرت متخصصان با یافته‌های

شریفی ۱۳۷۶؛ طیبی نیا، ۱۳۸۰؛ آراسته، ۱۳۸۰؛ ابراهیمی، ۱۳۸۱؛ علاءالدینی، ۱۳۸۱؛ جعفریان، ۱۳۸۲؛ فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷؛ نوری حکمت و دیگران، ۱۳۸۸، ولادیمیر گرچیچ، جوروکوتلاچا، ولاستیمیرماتیچیچ و ابراومیکیچ، ۱۹۹۰، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳؛ رونگ، ۲۰۰۳؛ مک کلان و نز، ۲۰۰۴؛ باثور و زیمرمن به نقل از کلو و وچتر، ۲۰۰۴؛ نامووا، ۱۹۹۸؛ پیمایش ان. اس. اف، ۱۹۷۳ به نقل شیائوهانگ، ۱۳۷۲؛ اردوجان، ۲۰۰۳ مشابه است.

همچنین یافته‌های عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶؛ قنبر، ۱۳۸۴؛ گوپتا، ۱۹۷۳؛ اکبرگ، ۱۹۸۹؛ برژینسکی، ۱۹۹۳؛ کورنول، ۲۰۰۱؛ رونگ (۲۰۰۳) و یو. ان. آی. اس. ای (به نقل قنبر، ۱۳۸۴)، به برخی از این فاکتورها (در کنار سایر عوامل و موضوعات)، اشاره داشته است.

در تبیین این عامل می توان گفت: عوامل اجتماعی و ارتباط آن با پدیده مهاجرت متخصصان، از دو منظر قابل بررسی است: از نظر وضعیت اجتماعی که خود فرد متخصص در یک جامعه از حیث منزلت اجتماعی دانش دارد و یا احساس امنیت اجتماعی وی و از نظر شرایط کلی حاکم بر وضعیت اجتماعی یک جامعه بدون اینکه اثر صرف آن بر یک فرد متخصص مد نظر باشد. استانداردهای زندگی، از جمله وضعیت راه‌ها و امکانات تفریحی، چهره ظاهری شهرها، فقری که بر عامه مردم حاکم است، حتی اگر خود متخصص، درگیر مستقیم آن نباشد نیز در تصمیم به مهاجرت وی قابل بررسی و توجه است.

نتایج این مطالعه در مورد دلایل سیاسی با یافته‌های جعفریان، ۱۳۸۲؛ ابراهیمی، ۱۳۸۱؛ علاءالدینی، ۱۳۸۱؛ آراسته ۱۳۸۰؛ طیبی نیا، ۱۳۸۰؛ عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶؛ فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷؛ اردوجان، ۲۰۰۳؛ همخوانی دارد.

همچنین یافته‌های قنبر، ۱۳۸۴؛ عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶؛ مهدیانی، ۱۳۷۷؛ گوپتا، ۱۹۷۳؛ اکبرگ، ۱۹۸۹؛ هووارد، ۱۹۹۲؛ اودنسی، ۱۹۹۶؛ دنگ، ۱۹۹۸ و یو. ان. آی. اس. ای (به نقل قنبر، ۱۳۸۴)، به برخی از این فاکتورها اشاره داشته است.

علاوه بر مطالعات مذکور، طبق ادبیات موجود، قنبر، ۱۳۸۴؛ تربت، ۲۰۰۲؛ کاسزالکا و سویسزینسکی، ۲۰۰۳؛ گرویزارد و لول، ۲۰۰۴؛ انتظارخیر، ۲۰۰۵؛ دودانی و لاپورت،

۲۰۰۵؛ و سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۶ در مطالعات خود با اهمیت بیشتری بر آن، تأکید داشته‌اند.

در تبیین این عامل می‌توان گفت: در کشورهای توسعه یافته، متخصصان کمتر دچار دغدغه‌های سیاسی شده و بیشتر وقت خود را صرف تحقیق و پژوهش و کارهای فکری می‌کنند اما ساختار سیاسی کشورهای در حال توسعه مانند بخش‌های دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از توسعه کافی برخوردار نیست. منازعات جناحی در بسیاری از این کشورها وجود دارد و هرکدام از این جناح‌ها، سعی می‌کنند با در دست گرفتن قدرت، منافع ملی را با منافع حزبی خود گره بزنند.

در کشورهای در حال توسعه، به دلیل سیاست زدگی جامعه، از دانش و اعمال مدیریت علمی خیری نیست و این ضعف در مدیریت موجب می‌شود که زیردستان به ویژه متخصصان و به ویژه متخصصان علم مدیریت، از مدیریت رضایت نداشته باشند و این امر می‌تواند در نهایت، انگیزه‌ای برای مهاجرت محسوب شود.

مصون نبودن جوامع علمی از تفوق احزاب و گروه‌های سیاسی، نوسانات تغییر جهت‌های سیاسی بویژه در روابط بین المللی به دلیل تأثیری که بردسترسی و سهولت ارتباطات علمی با سایر کشورهای و نیز منزلت دانشوران کشورها در مجامع بین المللی می‌گذارد، نیز می‌تواند عاملی برای خروج نخبگان از ساختارهای سیاسی داخل جامعه و مهاجرت آنها به خارج کشور محسوب شود.

علاوه بر آن، به دلیل متخصصان یک کشور، تفاوت آستانه عدم تحمل سیاسی متخصصان که ناشی از ضریب هوشی، درک و قوه تحلیل بالای این افراد در مقایسه با عامه مردم است می‌تواند به مهاجرت آنان بینجامد.

یافته‌های این مطالعه در مورد دلایل علمی و پژوهشی مهاجرت متخصصان با یافته‌های جعفریان، ۱۳۸۲؛ فلاحی و منوریان، ۱۳۸۷؛ نوری حکمت و دیگران، ۱۳۸۸؛ اردوجان، ۲۰۰۳ و انتظارخیر، ۲۰۰۵ مشابه و هماهنگ است.

همچنین پژوهش‌های قنبر، ۱۳۸۴؛ عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶ و اودنسی، ۱۹۹۶؛ دنگ، ۱۹۹۸ به برخی از این عوامل، اشاره داشته است.

محیط مناسب برای رشد و ارتقای علمی و فکری برای متخصصان بسیار مهم است.

از این رو، هر عاملی که به نوعی موجب مخدوش شدن محیط علمی و شرایط ارتقای آنان بشود، باعث افزایش تمایل آن به خروج از کشور می‌شود. سهم اعتبارات اختصاص یافته به امر پژوهش، امکانات پژوهشی داخل کشور، استفاده از نتایج پژوهش‌های انجام‌شده از سوی متخصصان و فضای کلی حاکم بر تحقیق و پژوهش در جامعه همچنین شکاف بین عوامل آموزشی در ممالک توسعه یافته و در حال توسعه از جمله مسائلی هستند که متخصصان را به خود جذب می‌کنند.

نتایج این مطالعه در مورد دلایل شغلی مهاجرت متخصصان با یافته‌های شریفی ۱۳۷۶؛ مهدیانی، ۱۳۷۷ (به نقل جعفریان ۱۳۸۲)؛ آراسته، ۱۳۸۰؛ علاء‌الدینی، ۱۳۸۱؛ جعفریان، ۱۳۸۲؛ نوری حکمت و دیگران، ۱۳۸۸؛ رونقی، ۱۹۷۶؛ مک کلان و نز، ۲۰۰۴ و ماروسیک، (به نقل مک کلان و نز، ۲۰۰۴) همگون است.

همچنین یافته‌های عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶؛ قنبر، ۱۳۸۴؛ گوپتا، ۱۹۷۳؛ اکبرگرگ، ۱۹۸۹؛ برژینسکی، ۱۹۹۳؛ اودنسی، ۱۹۹۶؛ آداموویک، ۲۰۰۰ (به نقل امسیکلان و نز، ۲۰۰۴)؛ کورنول، ۲۰۰۱ (به نقل قنبر، ۱۳۸۴)، به برخی از این فاکتورها اشاره کرده است.

اقتصاد جوامع در حال توسعه مبتنی بر دانش نیست و این امر باعث می‌شود علاوه بر مشکل کمبود فرصت‌های شغلی به طور عام، متخصصان نتوانند شغل مناسب را پیدا کنند. با وجود اوضاع نه چندان مساعد یافتن شغل، آنانی هم که موفق به یافتن مشاغل و یا مشاغل مناسبی می‌شوند، از تأثیر عوامل دافعه شغلی مصون نیستند. یکی از این عوامل که به طور مستقیم با عوامل شغلی مربوط بوده و از سویی از عوامل اجتماعی و سیاسی مهاجرت محسوب می‌گیرد، برخی مدیریت‌های غیر علمی و غیر اصولی در جامعه است. ضعف در مدیریت موجب می‌شود که زبردستان از مدیریت رضایت نداشته باشند و این امر موجب بروز اختلالاتی در سیستم می‌شود که در نهایت انگیزه فعالیت‌های مثبت را در محیط‌های کاری برای افراد کاهش می‌دهد، نوعی دلسردی در محیط کاری ایجاد کرده و بعضاً محیط‌های کاری را برای افراد متخصص، دارای توانایی و باانگیزه، غیر قابل تحمل می‌کند.

عدم توجه به نوآوری و ابتکار در فضاهای کاری کشورهای در حال توسعه، و

ضعف امنیت و ثبات شغلی نیز، در این گونه مهاجرت‌ها تأثیرگذار است. از نظر این مطالعه دلایل شخصی از انگیزه‌های مهاجرت متخصصان به خارج از کشور محسوب نمی‌شود.

در تبیین این نتیجه، می‌توان گفت عوامل شخصی می‌تواند در پاره‌ای از موارد بیشتر نقش تسهیلگری در روند مهاجرت داشته و به تنهایی به عنوان یک عامل مهاجرت محسوب نشود. به عنوان مثال، به نظر می‌آید وجود بستگان و آشنایان در خارج کشور قبل از آنکه به عنوان یک عامل اصلی قلمداد شود می‌تواند به عنوان یک عامل تسهیلگر به شمار آید.

آراسته (۱۳۸۰)، این عامل را در مهاجرت متخصصان دخیل دانسته است. همچنین یافته‌های قنبر، ۱۳۸۴؛ علاءالدینی، ۱۳۸۱؛ عسگری و کامینگز، ۱۳۷۶؛ اکبربرگ، ۱۹۸۹ و یو. ان. آی. اس. ای (به نقل قنبر، ۱۳۸۴)، به برخی از این فاکتورها (در کنار سایر عوامل و موضوعات)، اشاره داشته است.

پژوهش عسگری و کامینگز (۱۳۷۶) نیز به تعدادی از این فاکتورها تحت دسته مواردی که به عنوان عوامل مربوط به تصمیم به مهاجرت در دانشمندان و مهندسان اشاره کرده است. این نتیجه با آنچه در مورد تبیین نتیجه مطالعه حاضر، عنوان شد، تضادی ندارد. آنچه در مورد اختلاف دسته‌بندی‌ها و موارد تحت این دسته‌بندی‌ها ذکر شد، در مورد تبیین این نتیجه با مطالعه آراسته (۱۳۸۰) و نیز علاءالدینی (۱۳۸۱) نیز صدق می‌کند. به عنوان مثال، آنچه آراسته (۱۳۸۰)، تحت عنوان عوامل شخصی ذکر کرده است، شامل فاکتورهایی از جمله اوضاع اقتصادی بهتر شده است که در مطالعه حاضر به عنوان عوامل اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته است.

ناهمخوانی این نتایج با مطالعه اکبربرگ (۱۹۸۹)، نیز در سایه اختلاف جوامع مورد بررسی از حیث فاکتورهای جامعه‌شناسی، اجتماعی، فرهنگی و عاطفی، قابل تبیین است.

در خصوص ترتیب و اولویت دلایل مهاجرت متخصصان، نتایج این مطالعه با یافته‌های کلی علاءالدینی (۱۳۸۱) (با عنایت به تفاوت رویکرد تقسیم بندی)، تطابق دارد اما مطالعه ابراهیمی (۱۳۸۱) نشان داد که از دید دانشجویان پاسخ دهنده، به ترتیب عوامل

علمی - آموزشی و عوامل اقتصادی اجتماعی فرهنگی سیاسی، به عنوان دلایل مهاجرت متخصصان مطرح شده‌اند.

در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که جامعه آماری پژوهش مذکور، دانشجویان چند دانشگاه داخل بوده‌اند. اصولاً اغلب دانشجویان، از نظر وضعیت تأهل، سن و میزان دغدغه و درگیری با مسائل اقتصادی با سایر متخصصان و به ویژه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها متفاوت‌اند و از سویی، در آغاز یک تجربه علمی جدیدی به نام دانشگاه هستند. بنابراین، دور از انتظار نیست که وجه آرمانی مقوله دانش‌اندوزی در این دانشجویان قابل توجه باشد. در همین مطالعه ذکر شده است که دانشجویان ارشد و دکتری و نیز متأهلان در مقام رتبه بندی، عوامل اقتصادی را حائز اهمیت دانسته و سپس عوامل علمی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی سیاسی را در اولویت‌های بعدی قرار داده‌اند که این امر تأییدی بر تبیین ارائه شده است.

منابع

- ابراهیمی یزدان (۱۳۸۱). بررسی تمایل دانشجویان دانشگاه‌های تهران و صنعتی شریف در رشته‌های برق و کامپیوتر به خروج از کشور (طرح تحقیقاتی). تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- آراسته، حمید رضا (۱۳۸۰). بررسی رضایت شغلی اعضای هیئت علمی و علل مهاجرت آنها به خارج از کشور. طرح تحقیقاتی، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
- جعفریان، عبدالمجید (۱۳۸۲). بررسی عوامل مرتبط با تمایل اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های جنوب شرق به مهاجرت از کشور (سال تحصیلی ۸۲-۱۳۸۱). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر.
- دلاور، علی (۱۳۸۰). روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، ویرایش سوم، چاپ نهم. تهران: ویرایش.
- رضایی، پروین. درتاج، فریبرز (۱۳۸۷). مهاجرت نخبگان، پدیده ای برای تامل. کرمان: دانشگاه علوم پزشکی.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۰). مهاجرت. تهران: سمت.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱). گزارش ملی جوانان، بررسی وضعیت مهاجرت جوانان. تهران: مؤلف.
- سیف الدین اصل، امرعلی (۱۳۸۳). چالشها و راهکارهای حفظ و بکارگیری نخبگان. Ayandehnegar.org
- طایفی، علی (۱۳۸۰). بررسی علل خروج نیروهای متخصص از کشور و راهکارهای کاهش آن. طرح تحقیقاتی، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری.
- عباسی، حسین (۱۳۸۰). بررسی پدیده فرار مغزها (برآورد ابعاد کمی مهاجرت متخصصان) (طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست گذاری توسعه منابع انسانی کشور، طرح پژوهشی شماره ۶). تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- محمدی، مجید (۱۳۷۶). در فرار مغزها انتقال معکوس تکنولوژی. عسگری، حسین و کامینگر، جان توماس. تهران: قطره.
- علاء الدینی، فرشید (۱۳۸۱). بررسی میزان تمایل به مهاجرت و عوامل موثر بر آن در پزشکان ایرانی سال ۱۳۸۰. طرح تحقیقاتی.

قنبر، افسانه (۱۳۸۴). بررسی علل مهاجرت متخصصان ایرانی به آمریکا. طرح تحقیقاتی. بخش مطالعات توسعه پژوهشکده علوم اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

عسگری، حسین و کامینگز، جان توماس (۱۳۷۶). فرارمغزها انتقال معکوس تکنولوژی، ترجمه مجید محمدی. تهران: قطره.

نوری حکمت، سمیه. ملکی، محمدرضا. برادران عطارمقدم، حمیدرضا، دهنویه رضا (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران. گام های توسعه در آموزش پزشکی، دوره ۶، شماره ۲.

وقوفی، حسن (۱۳۸۰). فرارمغزها، بررسی مهاجرت نخبگان از زوایای گوناگون. تهران: زهد.

Chellaraj, Gnanaraj; Maskus, Keith E & Mattoo, Aaditya. (2006). Skilled Immigrants, Higher Education, and U. S. Innovation. In Caglar, Ozden and Maurice Schiff (Eds.), International Migration, Remittances & the Brain Drain_(pp 245-259). Washington DC: A copublication of The World Bank and Palgrave Macmillan.

Docquier, frederic & marfouk, abdeslam. (2006). International Migration by Education Attainment, 1990–2000. In Caglar, Ozden and Maurice Schiff (Eds.), International Migration, Remittances & the Brain Drain_(pp. 151-199). Washington DC: A copublication of The World Bank and Palgrave Macmillan.

Dodani S. and Laporte R. E. (2006). Brain drain from developing countries: How can brain drain be converted into wisdom gain?. Journal of the Royal Society of Medicine, 98,11,487-491.

Dychtwald K. , Erickson T. and Morison B. (2004). It's Time to Retire Retirement. Harv. Bus. Rev. 82:3,48-57+126.

Easton, Stephen T; Harris, Richard G & Schmitt, Nicolas, with contributions by William Gibson, Dominique M. Gross, and Antoine Soubeyran. (2005). Brains on the move, essays on human capital mobility in a globalizing world and implications for the Canadian economy. Ottawa, Ontario: C.D. Howe Institute

Entezarkheir, Mahdiyeh. (2005). Why is Iran Experiencing Migration and Brain Drain toCanada. <http://www.unb.ca/econ/acea/documents/paperoflaboureconomicsnew.pdf>.

Ghosh, Bimal. (2005). Economic Effects of International Migration: A Synoptic Overview. In IOM, World migration 2005. (pp. 163-183. https://www.iom.int/DOCUMENTS/PUBLICATION/wm2005_hq.pdf Supplemental Result.

Groizard, José L. & Llull, Joan. (2004). “Brain drain”, aid and growth.

Guerrero, Gabriela Tejada & Bolay, Jean-Claude. (2005). Enhancing development through knowledge circulation: a different view of the migration of highly skilled Mexicans. www.gcim.org/mm/File/GMP

- 51 english. pdf.
- Kelo, Maria & Bernd, Wchter. (2004). Brain drain brain gain migration in the European Union after enlargement. [www. aca-secretariat. be/05publications/Migration. pdf](http://www.aca-secretariat.be/05publications/Migration.pdf).
- Koszalka, K & Sobieszczanski, J. (2003). Brain Drain – Brain Gain Introduction and Short Overview of the Situation in Eastern Europe. [www. ei-ie. org/hiednet/english/Downloads/2003_hied_Dakar_paperNSZZ. pdf](http://www.ei-ie.org/hiednet/english/Downloads/2003_hied_Dakar_paperNSZZ.pdf) -
- Laczko, Frank. (2005). Enhancing the Benefits of Return Migration for Development. In IOM, *World migration 2005*. (pp. 287- 296). [https://www. iom. int/DOCUMENTS/PUBLICATION/wm2005_hq. pdf](https://www.iom.int/DOCUMENTS/PUBLICATION/wm2005_hq.pdf) - Supplemental Result.
- Mattoo, Aaditya, Neagu, Ileana Cristina, and Ozden, Calar. (2005). Brain Waste? Educated Immigrants in the U. S. Labor Market. [worldbank. org](http://worldbank.org).
- McClellan, Dorothy S. & Knez, Nikola.(2004). Brain waste & brain drain: As Reflected in the Lives of Croatian University Students. *FACTA UNIVERSITATIS, Series: Philosophy, Sociology and Psychology, Vol. 3, No1*, pp. 1 – 16.
- McIntosh, Phyllis. (2004) Study on Iranian in the United States. <http://web.mit.edu/isg>
- Rogers, Kimberly R. & Heller, Donald E. (2003). Moving On: State Policies to Address Academic Brain Drain in the South. [www. personal. psu. edu/faculty/d/e/deh29/papers/ASHE_2003_brain_drain. pdf](http://www.personal.psu.edu/faculty/d/e/deh29/papers/ASHE_2003_brain_drain.pdf).
- Saravia N. G. and Miranda J. F. (2004). Plumbing the brain drain. *Bulletin of the World Health Organization*. 82:8, 608-615.
- Torbat, akbar. (2002). The brain drain from iran to the united states. *the middle east jurnal*, 56:2, 272-295. [http://www. ieicenter. com/article/Paging2. asp?ID=67](http://www.ieicenter.com/article/Paging2.asp?ID=67)
- WHO. (2006). International migration of health personnel: a challenge for health systems in developing countries. [www. who. int/gb/ebwha/pdf_files/WHA57/A57_R19-en. pdf](http://www.who.int/gb/ebwha/pdf_files/WHA57/A57_R19-en.pdf)